

اعمال یک‌جانبه دولت‌ها به عنوان منبع تعهد بین‌المللی در حقوق بین‌الملل

مهدی حدادی *

سیامک کریمی **

تاریخ پذیرش: ۹۶/۶/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۸

چکیده

موضوع منابع حقوق بین‌الملل یکی از پربحث‌ترین موضوع‌ها در حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، منابع حقوق بین‌الملل را برشمرده است. اعمال یک‌جانبه دولت‌ها در میان این منابع وجود ندارد، اما دولت‌ها در رویه بین‌المللی خود به کرات نشان داده‌اند که از طریق این اعمال، تعهداتی را پذیرفته‌اند و همچنین خود را نسبت به اعمال یک‌جانبه دولت‌های دیگر ذی‌نفع می‌دانند. وضعیت مشابهی نیز در خصوص رویه قضایی قابل مشاهده است که سبب شده است تا اعمال و اعلامیه‌های یک‌جانبه را واجد آثار الزام‌آور بدانند و از آن به عنوان یکی از منابع تعهد بین‌المللی نام ببرند. اما همه اعمال یک‌جانبه چنین نیستند. دکتترین، رویه دولت‌ها و به ویژه رویه قضایی، شرایطی را برای اعتبار و الزام‌آوری اعمال یک‌جانبه برشمرده‌اند تا به مدد آنها، اعمال حقوقی از اعمال سیاسی تفکیک شوند. بنابراین، به نظر می‌رسد که اعمال یک‌جانبه دولت‌ها تحت شرایطی دارای آثار حقوقی الزام‌آور هستند.

کلیدواژه‌گان:

اعلامیه‌های یک‌جانبه، اعمال یک‌جانبه دولت‌ها، رویه قضایی، قصد الزام‌آور، منابع حقوق بین‌الملل.

* استادیار دانشکده حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران

mhaddady@ut.ac.ir

** دانشجوی دکترا، گروه حقوق دانشگاه تهران

karimi.sia@gmail.com

مقدمه

بسیاری از اعمال و تصمیم‌های دولت‌ها در عرصه بین‌المللی، به طور یک‌جانبه انجام و اتخاذ می‌شود. شاید این ویژگی طبیعی جهان کنونی باشد. دولت‌ها خود را به وسیله اعمال یک‌جانبه متعهد می‌کنند و نسبت به اعمال یک‌جانبه دولت‌های دیگر ذی‌حق می‌دانند. به همین دلیل «یک‌جانبه‌گرایی» را ویژگی «به شدت قابل توجه» روابط مدرن بین‌المللی دانسته‌اند.^۱ با وجود این، اثری از اعمال یک‌جانبه در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری که سنتاً منابع حقوق بین‌الملل را بیان کرده است، دیده نمی‌شود. وضعیت این ماده نمی‌توانست مباحث موجود بر سر منابع حقوق بین‌الملل را پایان دهد. اگرچه گفته شده، بسیار خطرناک است که ایجاد حقوق بین‌الملل به اراده یگانه دولت‌ها واگذار شود،^۲ اما این حقیقتی انکارنشدنی است که متدولوژی حقوق بین‌الملل بر رویه دولت‌ها بنا می‌شود و آنها خود تشخیص می‌دهند که چگونه خود را متعهد کنند.^۳ با وجود این حقیقت، هر بار که مسئله اعمال یا اعلامیه‌های یک‌جانبه در میان بوده، ابهامات بسیاری درباره اعتبار و آثار حقوقی آن وجود داشته است.

کمیسیون حقوق بین‌الملل (از این به بعد کمیسیون) با توجه به شدت و کثرت اعمال و اعلامیه‌های یک‌جانبه دولت‌ها در دوره مدرن و برای بررسی ابعاد حقوقی این موضوع، در سال ۱۹۹۶ به مجمع عمومی ملل متحد پیشنهاد کرد که این موضوع می‌تواند برای مطالعه کمیسیون مناسب باشد.^۴ مجمع عمومی نیز در پاسخ، بررسی تدوین و توسعه تدریجی در این خصوص را به کمیسیون واگذار کرد.^۵ کمیسیون نیز برای رسیدگی به این موضوع، حقوق‌دان و نوزوئالیسی «ویکتور رودریگوئز سدینیو»^۶ را به عنوان گزارشگر ویژه در این زمینه و به موازات آن یک «گروه کاری»^۷ را برای کمک به گزارشگر ویژه برگزید. گزارشگر ویژه در مجموع ۹ گزارش را به

1 Kassoti, Eva, *the Juridical Nature of Unilateral Acts of States in International Law*, Boston, Brill Nijhoff, 2015, p 1.

2 Sohn, Louis B, "Sources of International Law", *Georgia Journal of International and Comparative Law*, Vol 25, No 1, 1996, p 399.

3 Tomuschat, *Op. Cit.*, p 1.

4 UN Doc, A/51/10, para.249.

5 UN Doc, A/Res,51/160, para.13.

6 Victor Rodríguez Cedeño.

7 Working Group.

کمیسیون ارائه کرد، اما در پایان، پیش‌نویس‌های وی به دلیل برخی انتقادهای به تصویب کمیسیون نرسید. کمیسیون صرفاً اصول پیشنهادی گروه کاری را در سال ۲۰۰۶ میلادی با عنوان «اصول راهنمای قابل اجرا نسبت به اعمال یک‌جانبه دولت‌ها که قادر به ایجاد تعهدات حقوقی هستند»^۱ (از این به بعد «اصول راهنما»)، به تصویب رساند. گزارش‌های گزارشگر ویژه و «اصول راهنما» به خوبی بازتاب رویه قضایی و رویه دولت‌هاست که در برخی موارد نیز مسائل لاینحلی را درباره اعلامیه‌های یک‌جانبه مطرح کرده‌اند. این مسائل لاینحل به همین شکل در دکتترین وجود دارد و بی‌دلیل نیست که گفته شده، مسئله اعمال یک‌جانبه دولت‌ها در حقوق بین‌الملل یکی از پیچیده‌ترین مسائل در دکتترین حقوق بین‌الملل به شمار می‌آید و پرسش‌های مهمی در چارچوب آن هنوز بی‌پاسخ مانده است.^۲

این نوشتار می‌کوشد تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد که اصولاً اعمال یک‌جانبه واجد چه آثار حقوقی در حقوق بین‌الملل می‌باشند؟ و همچنین شرایط پدیداری اعمال یک‌جانبه چه هستند؟ به عبارت دیگر، یک عمل یک‌جانبه باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد تا آن را به عنوان «عمل یک‌جانبه حقوقی» شناسایی کرد؟ در بخش اول، اعمال یک‌جانبه به معنای خاص تعریف شده و مورد تمییز قرار گرفته است. در بخش دوم، این موضوع بررسی شده است که اعمال و اعلامیه‌های یک‌جانبه تا چه اندازه تعهدآور هستند. برای پاسخ به این پرسش، چاره‌ای نبود جز آن که مطالعه‌ای در نظام‌های حقوقی عمده دنیا، رویه قضایی و تا اندازه‌ای رویه دولت‌ها و دکتترین داشته باشیم. پس از آنکه در پایان بخش دوم مشخص گردید که اعمال یک‌جانبه واجد آثار حقوقی برای دولت‌ها هستند، در بخش سوم شرایط شکلی و ماهوی اعتبار اعمال یک‌جانبه بررسی خواهند شد.

۱. تبیین اعمال یک‌جانبه

به دلیل انواع پرشمار اعلامیه‌های یک‌جانبه در حقوق بین‌الملل، ارائه تعریفی واحد از آنها

۱. برای مشاهده «اصول راهنما» ر.ک:

Yearbook of the International Law Commission, vol. II, Part Two, 2006.

2. Saganek, Przemyslaw, *Unilateral Act of States in Public International Law*, Boston, Brill Nijhoff, 2015, p 25.

دشوار است؛^۱ مثلاً شناسایی^۲، اعتراض^۳، الحاق به یک معاهده^۴ و... همگی از نظر شکلی عمل یا اعلامیه یک‌جانبه به شمار می‌آیند و هر یک تابع نظام حقوقی متفاوتی هستند.^۵ حتی برخی گفته‌اند که اصولاً اعمال یک‌جانبه نیاز به هیچ تعریفی ندارند و «خود-تعریف» هستند.^۶ با وجود این، گزارشگر ویژه با ارائه تعریفی از آنها، تلاش کرد به حوزه مطالعاتی خود انسجام بخشد. بنا به آخرین گزارش وی، اعمال یک‌جانبه «اعمالی هستند که توسط یک دولت به قصد ایجاد آثار حقوقی مشخص طبق حقوق بین‌الملل انجام می‌شوند».^۷ وی همچنین اعتقاد داشت که «ایجاد آثار حقوقی» صرفاً باید ناشی از «اراده دولت صادرکننده اعلامیه یک‌جانبه» باشد.^۸ تأکید بر این ویژگی، باعث می‌شود تا اعمال یک‌جانبه به معنای خاص، از مفاهیمی همچون «اعتراض»، «اعلام جنگ»، «شناسایی»، «اعلامیه پذیرش صلاحیت یک نهاد قضایی همچون دیوان» و... که از نظر شکلی یک‌جانبه هستند، متمایز شوند. این مفاهیم نه صرفاً به دلیل اراده دولت صادرکننده، بلکه همچنین یا به دلیل مقررات حقوق بین‌الملل عرفی یا معاهده‌ای (اعلام جنگ، اعتراض) یا در واکنش به یک واقعیت موجود (شناسایی یک کشور یا یک وضعیت) پدید می‌آیند.^۹ برای نمونه، اگر دولتی با صدور اعلامیه‌ای صلاحیت اجباری دیوان را بپذیرد، آثار چنین اعلامیه‌ای نه فقط به دلیل اراده دولت مذکور، بلکه از جمله به مناسبت ماده ۳۶ اساسنامه دیوان ایجاد شده است. بنابراین، برای آنکه اعلامیه‌ای در دسته خاص اعلامیه‌های یک‌جانبه قرار گیرد، صرفاً باید به دلیل اراده دولت صادرکننده پدید آمده باشد و وابسته به هیچ واقعیت حقوقی یا موضوعی قبلی یا بعدی نباشد.^{۱۱} به همین دلیل، با وجود شباهت‌هایی که میان عمل یک‌جانبه

1. Fiedler, Wilfried, "Unilateral Acts in International Law", in: Bernhardt, Rudolf, Encyclopedia of Public International Law, Vol 7, New York, Elsevier Science Publishers, 1984, p 518.

2. Recognition.

3. Protest.

4. Accession to treaty.

5. Ibid, p 519.

6. Self-explanatory.

7. Saganek, Op. Cit., p 34.

8. UN Doc, A/CN.4/569, p 1.

9. Eckart, Christian, **Promises of States under International Law**, Portland, Hart Publishing, 2012, p 22.

10. Rubin, Alfred P, "The International Legal Effects of Unilateral Declarations", AJIL, Vol 71, No 1, 1977, p 5.

11. UN Doc, A/CN.4/486, para. 133.

خاص از یک طرف و آن دسته از اعمالی که به صورت یک‌جانبه انجام شده است و می‌توانند به عنوان عنصر مادی تشکیل‌دهنده عرف به شمار آیند، تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. خود گزارشگر ویژه ضمن اشاره به این موضوع، فقط به بیان این نکته بسنده کرده است که «رابطه میان اعمال یک‌جانبه و عرف‌های منطقه‌ای چالش برانگیزتر است... چراکه اعمال یک‌جانبه مغایر با این عرف‌ها، حداقل اجازه نمی‌دهد تا این عرف‌ها ماهیت جهانی پیدا کنند^۱». به هر حال، گفته شده است که آن دسته از اعمال یک‌جانبه‌ای که مقوم عنصر مادی عرف هستند، باید تحت همان رژیم حقوقی (رژیم حقوقی حاکم بر عرف‌های بین‌المللی) مطالعه شوند، چراکه آنها نه به عنوان عمل یک‌جانبه، بلکه برای ایجاد منبع دیگری مورد توجه هستند^۲.

به هر حال، ویژگی یادشده در اعمال یک‌جانبه را «استقلال^۳» می‌گویند^۴. نخستین بار «جرالد فیتز‌موریس^۵» متذکر این ویژگی شد. او اعلامیه‌های یک‌جانبه را به سه دسته تقسیم می‌کرد: ۱- اعلامیه‌هایی که نه در فرم و نه در محتوا یک‌جانبه نیستند؛ ۲- اعلامیه‌هایی که هم در فرم و هم در محتوا یک‌جانبه هستند؛ ۳- اعلامیه‌هایی که در فرم یک‌جانبه هستند و در محتوا چنین نیستند^۶. وی سپس درباره‌ی قسم دوم نوشت: این دسته شامل اعلامیه‌هایی می‌شود که «نه در پاسخ، نه هم‌زمان و نه در مقابل توافقی دیگر صادر می‌شوند^۷». گزارشگر ویژه نیز در همان گزارش نخست خود، یادآور این ویژگی شد^۸. با وجود آنکه برخی اعضای وقت کمیسیون حقوق بین‌الملل به دلیل درج این ویژگی از سدینو حمایت کردند^۹، در مقابل، اعضای مشهورتر کمیسیون، همچون «آلن پله^{۱۰}» و «برونو سیما^{۱۱}»، از آن انتقاد کردند. به دلیل این انتقادات، ویژگی «استقلال» فقط در گزارش دوم تکرار شد. با این حال، «مجموعه دکتترین» این ویژگی را

1. UN Doc/ A/CN.4/569/Add.1, para.120.

2. Kassoti, Op. Cit., p 9.

3. Autonomy.

4. Fiedler, Op. Cit., p 518-519.

5. Gerald Fitzmaurice.

6. Fitzmaurice, Sir Gerald, "The Law and Procedure of the International Court of Justice 1951-54: Treaty Interpretation and Other Treaty Points", British Year Book of International Law, Vol 33, 1957, p 229.

7. Ibid., p 231.

8. UN Doc, A/CN.4/486, para.136.

9. UN Doc A/CN.4/SR.2603, paras.18&24.

10. Alain Pellet.

11. Bruno Simma.

تأیید کرده است و اعتقاد دارد «صحت و اعتبار [اعمال یک‌جانبه] در گرو سازگاری‌شان با یک عمل حقوقی دیگر... نیست^۱». به این ترتیب، این ویژگی ممکن است معیار مناسبی برای تمییز و تعریف اعمال یک‌جانبه به معنای خاص از غیر آن باشد.

۲. ویژگی الزام‌آوری اعمال یک‌جانبه

مسئله الزام‌آوری اعمال یک‌جانبه دولت‌ها، از جمله حوزه‌های پربحث در حقوق بین‌الملل بوده که در گذر زمان، الگوهای متفاوتی بر آن حاکم شده است.^۲ حقیقت آن است که عدم وجود اعمال یک‌جانبه در میان منابع مذکور در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان، از سنتی حقوقی ریشه می‌گیرد؛ چراکه اعمال یک‌جانبه برخلاف معاهده و عرف، منبع محرز و بدون ابهام تعهدات نبوده است. این موضوع به خوبی در «نظام‌های اصلی حقوقی» و در «رویه قضایی بین‌المللی» هویدا است که به تفکیک بررسی می‌شوند.

۲.۱. نظام‌های اصلی حقوقی

در حقوق روم، اعلام یک‌جانبه اراده به عنوان منبع حق و تکلیف پذیرفتنی نبود. در این نظام حقوقی، ایجاد حق و تکلیف از الگوی توافق دو یا چند اراده (الگوی قراردادی) تبعیت می‌کرد. به این ترتیب، حتی اگر مدیون، خود به وجود دینی اقرار می‌کرد، بی‌آنکه دائن او را تأیید کند، ادعای او پذیرفتنی نبود.^۳ به همین دلیل نیز در نظام حقوقی فرانسه و در قانون مدنی سال ۱۸۰۳ این کشور، اثری از اعتبار اعمال یک‌جانبه وجود نداشت.^۴ به‌هرحال، این هوگو گروس‌سیوس بود که برای نخستین بار از اعمال یک‌جانبه در قالب «قول^۵» به عنوان منبع تعهد سخن به میان آورد.^۶ او این قول‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کرد: نخست، قولی که هر زمان می‌توان آن را تغییر داد.

۱. کک دین، نگوین، پاتریک، دینه. پله، آلن، **حقوق بین‌الملل عمومی**، ترجمه حسن حبیبی، جلد ۱، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۲، ص ۵۸۵.

2. Degan, Vladimir Duro, **Sources of International Law, Hague, Kluwer Law International**, 1997, p 253.

3. Ibid., p 254.

4. Ibid., p 255.

5. Promise.

6. Riley, Patrick, "The Legal Philosophy of Hugo Grotius", in: Enrico, Florence, **A Treatise of Legal Philosophy and General Jurisprudence**, Vol.9, New York, Springer Publication, 2009, p 17.

چنین قولی الزام‌آور نیست و در نتیجه منبع تعهد به شمار نمی‌آید؛ دوم، قولی که نمی‌توان آن را تغییر داد اما ذی‌نفع خاصی ندارد و در نتیجه کسی نمی‌تواند ارائه‌دهنده آن را ملزم به ایفای تعهد کند. به نظر گروسیوس این دسته هم نمی‌توانند منبع تعهد به شمار آید و سوم، قولی که نمی‌توان آن را تغییر داد و همچنین ذی‌نفع مشخصی دارد.^۱ هرچند گروسیوس اعتبار اعمال یک‌جانبه را پذیرفته بود، این تقسیم‌بندی و به ویژه وضعیت شق دوم، به خوبی نشان می‌دهد که او نیز متأثر از الگوی دو یا چندجانبه ایجاد تعهد بوده است. چراکه وی نیز به وجود حداقل یک ذی‌نفع خاص برای الزام‌آوری قول اعتقاد داشت. این الگو تا مدت‌ها اثر خود را بر حقوق بین‌الملل باقی گذاشت. از جمله چنین پنداشته می‌شد که اعمال یک‌جانبه فقط می‌توانند در وضعیت ناشی از «مذاکره» که دو یا چند اراده در آن دخیل هستند، واجد جنبه الزام‌آور باشند.^۲ در پرونده داوری «جزیره لامو»^۳ در سال ۱۸۹۹، سرداور «بارون لمبرمونت»^۴ اعلام کرد که اعلامیه‌های یک‌جانبه اگر منجر به «توافق» بشوند، تعهدآور هستند.^۵ در جریان پرونده «گرینلند شرقی» در سال ۱۹۳۳ در دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری به رأی داوری جزیره لامو و ویژگی قراردادی ایجاد تعهد اشاره شد. نکته جالب آن که، اگرچه صدور حکم به سود دانمارک مشروط به اعلام اعتبار اعمال یک‌جانبه در حقوق بین‌الملل بود، از آنجا که هنوز چنین اعمالی به عنوان منبعی مستقل در حقوق بین‌الملل شناخته نشده بود، «شارل دو ویشر»^۶، نماینده دولت دانمارک در این پرونده، سعی کرد تا رأی پرونده لامو را به گونه‌ای تفسیر کند که به کار اثبات ادعای دولت دانمارک بیاید. او اظهار کرد که منظور سرداور لامبرمونت از عبارت «توافق اراده‌ها»^۷ به عنوان شرط الزام‌آوری عمل یک‌جانبه، نه حصول به یک معاهده یا قرارداد، بلکه صرفاً تحقق تالاقی خواسته‌ها بود.

برخلاف سنت رومی و نظام حقوقی فرانسوی، اعلامیه یک‌جانبه در نظام‌های حقوقی آلمان و ایتالیا جایگاه معتبرتر و مستقل‌تری داشت. اساساً در نظام حقوقی کامن‌لو، مفهومی به نام

1. Degan, Op. Cit., p 254.

2. Garner, James W, "The International Binding Force of Unilateral Oral Declarations", AJIL, Vol 27, No 3, 1933, pp 495-496.

3. Lamu Island.

4. Baron Lambermont.

5. d'Aspremont, Jean, Formalism and the Sources of International Law: A Theory of the Ascertainment of Legal Rules, New York, Oxford University Press, 2011, p 172.

6. Professor Charles de Visscher.

7. accord des volontés.

«قرارداد یک‌جانبه»^۱ شناسایی شده است که به مفهوم اعلامیه یک‌جانبه در حقوق بین‌الملل شباهت دارد.^۲ قرارداد یک‌جانبه قراردادی است که در آن، نظم عناصر ضروری برای حصول به توافق، یعنی ایجاب، قبول و عوض^۳، برهم خورده و عامل اول یا همان ایجاب برای لازم‌الاجرا کردن قرارداد کافی است.^۴ مشهورترین نمونه از رویه قضایی مربوط به این مفهوم، پرونده قدیمی *Carlill v Carbolic Smoke Ball Company* است. این دعوا مربوط به آگهی تبلیغاتی شرکت خوانده بود که در آن اعلام شده بود، هر کس از داروی تولیدی این شرکت استفاده کند و سپس به آنفولانزا مبتلا شود، مبلغ ۱۰۰ دلار دریافت می‌کند. خواهان پس از استفاده از این دارو به آنفولانزا مبتلا شد و با مخالفت خوانده با پرداخت مبلغ مورد نظر به دادگاه مراجعه کرد. نهایتاً «دادگاه تجدیدنظر رأی دادگاه بدوی را مبنی بر اینکه ایجاب خوانده، فارغ از نبود تراضی اراده‌ها، لازم‌الاجراست، ابرام کرد. این در حالی بود که خوانندگان اعتقاد داشتند، ایجاب، قبول و عوض عناصر لازم برای ایجاد یک تعهد است»^۵. اگرچه یافته این دادگاه انگلیسی درباره ویژگی الزام‌آوری اعمال یک‌جانبه مجدداً ذیل الگوی قراردادی توصیف می‌شود، تمایز این یافته کامن‌لویی با الگوی قراردادی در این است که در مفهوم قرارداد یک‌جانبه، فقط پوسته الگوی قراردادی باقی می‌ماند و به ویژه با حذف عنصر عوض، به یکی از ویژگی‌های سازنده اعمال یک‌جانبه، یعنی فقدان رفتار متقابل^۶، نزدیک می‌شویم.

در نظام حقوقی آلمان و متأثر از اندیشه‌های فیلسوف مشهور آلمانی، «فردریش هگل»، که جایگاه برجسته‌ای برای دولت در نظام فلسفی‌اش قائل بود، اعمال یک‌جانبه به بالاترین درجه اعتبار خود رسید^۷؛ از جمله «یلینک»^۸ چنان جایگاه رفیعی برای «اراده» دولت قائل بود که اعتقاد داشت به جای آنکه اصل «وفای به عهد»^۹ مبنای حقوق بین‌الملل باشد، اصل «خودمحدودسازی

1. Unilateral Contract.

2. Gigante, A, "The Effect of Unilateral State Acts in International Law." New York University Journal of International Law and Politics Vol 2, 1069, p 340.

3. Consideration.

4. Enabulele, Amos O, "The Aura of Unilateral Statements in International Law: Nuclear Tests Cases Revisited", Hande Law Review, Vol 6, No 1, 2010, p 59.

5. Ibid., p 60.

6. quid pro quo.

7. Degan, Op. Cit., p 255.

8. Jellinek.

9. Pacta Sunt Servanda.

دولت^۱ «چنین نقشی را بازی می‌کند^۲. اما این توصیف از اعمال یک‌جانبه قابل دفاع نبود؛ «چراکه بنا به این دکتترین، دولت می‌توانست هر زمان خود را از تعهداتی که برعهده گرفته بود، رها کند^۳». در نظام حقوقی ایتالیا بود که مفهوم اعمال یک‌جانبه به آن چیزی نزدیک شد که امروز در حقوق بین‌الملل شناخته شده است. در قانون مدنی سال ۱۹۳۸ ایتالیا، مفهوم تعهد یک‌جانبه که تحت شرایطی می‌توانست ایجاد تعهد کند، مورد پذیرش قرار گرفت^۴. آنزیلوتی، حقوق‌دان بین‌الملل مشهور ایتالیایی، نخستین حقوق‌دانی است که مفهوم اعمال یک‌جانبه را از حقوق داخلی به حقوق بین‌الملل وارد کرد^۵. ویژگی‌هایی که او برای اعتبار اعمال یک‌جانبه برشمرده بود (از جمله قصد ایجاد تعهد، مخاطب عمل یک‌جانبه و...)، هم بر آثار دیگر نویسندگان و هم بر کار کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره اعمال یک‌جانبه اثر گذاشت که در بخش سوم مفصلاً بررسی می‌شوند.

۲.۲. رویه قضایی

حقیقت آن است که اهتمام رویه قضایی به اعلام اعتبار اعمال یک‌جانبه چنان بود که به درستی گفته شده است: «الزام‌آوری اعمال یک‌جانبه، توسط رویه قضایی به رسمیت شناخته شد و نه رویه دولت‌ها^۶». دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده آزمایش‌های هسته‌ای در سال ۱۹۷۴ اعلام کرد که اعمال یک‌جانبه می‌توانند تعهد حقوقی ایجاد کنند^۷. این رأی آن‌چنان در زمان خود بی‌سابقه بود که «الفرد روبین» آن را اقدامی «خارج از صلاحیت دیوان^۸» توصیف کرد؛ چراکه اعمال یک‌جانبه را در کنار دیگر منابع حقوق بین‌الملل قرار داده است^۹. با وجود نقش کارساز رویه قضایی در به رسمیت شناختن آثار اعمال یک‌جانبه در حقوق بین‌الملل، تاریخ این رویه نیز شاهد افت و خیزهای مشابهی بوده است.

1. State's Auto Limitation.

2. Csatlós, Erzsébet, "The Legal Regime of Unilateral Act of States", Miskolc Journal of International Law, Vol 7, No 1, 2010, p 33.

3. Degan, Op. Cit., p 256.

4. Ibid., p 255.

5. Csatlós, Op. Cit., p 34.

6. Eckart, Op. Cit., p 177.

7. ICJ, Nuclear Tests (Australia v. France), Judgment of 20 December 1974, para 43.

8. Ultra Vires.

9. Rubin, Op. Cit., p 29.

در پرونده داورى جزیره لامو، سرداور لمبرمونت اعتبار عمل یک‌جانبه در حقوق بین‌الملل را رد کرد. به نحوى مشابه، «دیوان داورى مختلط رومانی - مجارستان» در سال ۱۹۲۷ در پرونده «کولین»^۱، استدلال دولت رومانی را مبنی بر اینکه اظهارات نمایندگان مجارستان برای این کشور الزامی است، نپذیرفت.^۲ اما در سال ۱۹۳۳، آرایى موافق با اعتبار اعمال یک‌جانبه در دو پرونده صادر شدند که یکی از آنها نقطه عطفی در این زمینه به حساب می‌آید. در پرونده گرینلند شرقی، دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری به اختلاف دانمارک و نروژ بر سر حاکمیت گرینلند شرقی رسیدگی می‌کرد. دانمارک مدعی بود که ده سال پیش از این، آیهلن^۳، وزیر امور خارجه نروژ، طبق صورت‌جلسه تهیه‌شده از مذاکرات دیپلماتیک وی با وزیر امور خارجه دانمارک، در پاسخ به «تمایل دانمارک برای حاکمیت بر گرینلند» پاسخ داده بود که «دولت نروژ مشکلی در خصوص موافقت با این موضوع ندارد»^۴ و در نتیجه این عبارات، تأیید «شناسایی» حق حاکمیت دانمارک بر منطقه مورد اختلاف است.^۵ در مقابل، پروفیسور گیلبرت ژیدل^۶ به نمایندگی از دولت نروژ بیان کرد که عمل یک‌جانبه آیهلن برای دولت نروژ الزام‌آور نیست؛ چراکه به یک معاهده منجر نشده است.^۷ اما به اعتقاد دیوان «بدون هیچ‌گونه تردیدی، پاسخی با این ماهیت که از سوی وزیر امور خارجه به نمایندگی از دولتش در واکنش به درخواست نماینده دیپلماتیک دولتی خارجی داده شده است، الزام‌آور می‌باشد»^۸. از این رأی به بعد، تقریباً هر بار که دیوان‌ها و کمیسیون‌های قضایی و داورى با موضوع عمل یک‌جانبه برخورد داشتند، در رویه‌ای متحدالشکل رأی به اعتبار آن دادند. در همان سال، در جریان اختلاف میان چین و ژاپن بر سر احداث یک خط راه‌آهن از سوی چین در حاشیه منچوری، ژاپن ادعا کرد که یک پروتکل سیرى میان دو طرف مبنی بر اعراض چین از ساخت چنین راه‌آهنی در دست دارد. چین ضمن مخالفت با وجود چنین پروتکلی، تأکید کرد که سند مورد ادعای ژاپن فقط متن یک اعلامیه شفاهی از سوی چین

1. Kulin.

2. Garner, Op. Cit., p 496.

3. Ihlen.

4. PICJ, Legal Status of Eastern Greenland, (Series AB), Judgment of 5 April 1933, p 69-70.

5. Ibid.

6. Professor Gilbert Gidel.

7. Eckart, Op. Cit., p 96.

8. PCIJ, Op. Cit., p 71.

است و در نتیجه فاقد اثر تعهدآور است.^۱ «کمپسیون لیتون»^۲ که از سوی جامعه ملل برای رسیدگی به این اختلاف تشکیل شده بود، ترتیبات مقرر میان این دو کشور را در گزارش خود الزام‌آور تشخیص داد؛ چراکه اعلامیه شفاهی چین متضمن «اعلام قصد از ناحیه چین بوده است»^۳. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در پرونده‌های «فلات قاره دریای شمال»^۴، «فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در و علیه نیکاراگوئه»^۵ و «اختلافات مرزی»^۶ به صراحت به الزام‌آور بودن اعمال یک‌جانبه رأی داده است. بنابراین می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که به تدریج اعمال یک‌جانبه دولت به عنوان منبع تعهد در حقوق بین‌الملل شناخته شده است.

۳. شرایط الزام‌آوری اعمال یک‌جانبه

اعمال یک‌جانبه طیف متنوعی را تشکیل می‌دهند و فقط آن دسته از اعمالی که حائز شرایطی خاص باشند، واجد ویژگی تعهدآور هستند. بنابراین برای آنکه اعمال یک‌جانبه بتوانند ایجاد تعهد کنند، باید از مؤلفه‌هایی برخوردار باشند. این مؤلفه‌ها و شرایط به دو دسته «شکلی» و «ماهوی» تقسیم می‌شوند.

۳.۱. شرایط شکلی

در این بخش «نحوه انجام عمل یک‌جانبه»، «صلاحیت نهاد یا شخص انجام‌دهنده» و «وضعیت مخاطب اعمال یک‌جانبه» به عنوان شرایط شکلی بررسی می‌شوند.

۳.۱.۱. نحوه صدور اعمال یک‌جانبه

اعمال یک‌جانبه باید در چه فرمی صادر شود؟ آیا باید مکتوب باشد یا به صورت شفاهی نیز کفایت می‌کند؟ توضیحات شق اول از بند پنجم «اصول راهنما» صراحتاً عنوان می‌کند: «عموماً پذیرفته شده است که شکل اعلامیه یک‌جانبه، اعتبار یا آثار حقوقی آن را تحت تأثیر قرار

1. Garner, Op. Cit.

2. Lytton Commission.

3. Ibid.

4. ICJ, North Sea Continental Shelf (Federal Republic of Germany/Netherlands), Judgment of 20 February 1969, para 28.

5. ICJ, Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Judgment of 26 November 1984, para 240.

6. ICJ, Frontier Dispute (Burkina Faso/Niger), Judgment of 16 April 2013, para. 40.

نمی‌دهد». دیوان نیز به صراحت در پرونده‌های «آزمایش‌های هسته‌ای» متذکر شد «در خصوص شکل عمل یک‌جانبه، باید اعلام کرد که این مورد، موضوعی نیست که حقوق بین‌الملل برای آن، شرایط خاص و دقیقی را مقرر کرده باشد. اظهارات [یک دولت] شفاهاً بیان شده باشد یا کتباً، هیچ تفاوت اساسی ندارند^۱». دیوان در پرونده معبد پره‌آویهر نیز اعلام کرد که «دولت‌ها آزاد هستند تا شکل [اعلامیه‌ای] را که می‌خواهند به وسیله آن قصد خود را نشان دهند، انتخاب کنند^۲». بنابراین، می‌توان گفت که اعمال یک‌جانبه می‌تواند به هر شکلی انجام شود^۳.

اگرچه اعلامیه یک‌جانبه می‌تواند به هر شکلی بیان شود، عبارات و اصطلاحات آن نیاز به قیود و شرایطی دارند. در درجه اول، این عبارات و اصطلاحات باید به شکلی نامشروط بیان شده باشند^۴. بند هفتم از «اصول راهنما» بیان می‌کند که اعلامیه یک‌جانبه باید با «اصطلاحات مشخص^۵» بیان شده باشد. دیوان نیز در پرونده «فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو» اعلام کرد: «بیاناتی از این نوع، فقط زمانی می‌توانند تعهدات حقوقی ایجاد کنند که با اصطلاحاتی روشن و مشخص بیان شده باشد^۶». این توضیح ضروری است که در این پرونده، کنگو، دولت خواهان، مبنای صلاحیت دیوان را از جمله ماده ۹ کنوانسیون پیشگیری و سرکوب جرم ژنوسید معرفی کرده بود که طبق آن، دیوان بین‌المللی دادگستری نهاد صالح برای رسیدگی به اختلاف دولت‌های عضو درباره اجرا و تفسیر کنوانسیون است^۷. اگرچه دولت خواننده (رواندا) بر این ماده حق شرط قائل شده بود، کنگو اعتقاد داشت، وزیر دادگستری رواندا با اعلامیه شفاهی یک‌جانبه، یعنی به هنگام سخنرانی نزد کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، این حق شرط را پس گرفته است^۸. وزیر دادگستری رواندا در سخنرانی مذکور، با اشاره به معاهدات حقوق بشری و بشردوستانه که رواندا عضو آنهاست، عنوان کرده بود: «حق شرط‌های قبلی که هنوز پس گرفته

1. ICJ, Nuclear Tests, para.45.

2. ICJ, Temple of Preah Vihear, Preliminary Objections, Judgment of 26 May 1961, p 30.

3. Skubiszewski, Krzysztof, "Unilateral Acts of States", in: Bedjaoui, Mohammad (Ed), *International Law: Achievements and Prospects*, London, Martinus Nijhoff, 1991, p 221.

4. Eckart, Op. Cit., p 219.

5. specific terms.

6. Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Rwanda), Jurisdiction of the Court and Admissibility of the Application, 3 February 2006, para. 50.

7. Ibid., para. 1.

8. Ibid., para. 29.

نشده‌اند، در مدت کوتاهی پس گرفته خواهند شد^۱. دیوان به این دلیل استدلال کنگو را رد کرد که عبارات و اصطلاحات به کار رفته از سوی وزیر دادگستری رواندا کلی است و به اندازه کافی مشخص و دقیقاً ناظر به کنوانسیون مربوطه نیست^۲. در نتیجه، اعلامیه یک‌جانبه نه فقط باید تصمیم قاطع آن دولت را برای اقدامی خاص بیان کند، بلکه همچنین باید رفتاری را که انجام خواهد شد، مشخصاً بیان نماید.

۳.۱.۲. صلاحیت شخص یا نهاد انجام‌دهنده عمل یک‌جانبه

بند چهارم «اصول راهنما» درباره شخص یا نهاد صالح برای انجام عمل یک‌جانبه عنوان می‌کند که این اعمال زمانی لازم‌الاجرا هستند که «توسط مقامی صادر شده باشند که اختیار چنین کاری به وی اعطا شده باشد. رهبران دولت‌ها، حکومت‌ها و وزیران امور خارجه، به دلیل سمت‌شان، برای انجام چنین اعمالی صلاحیت دارند».

حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا مقامات صالح برای انجام اعمال یک‌جانبه از سوی دولت‌ها، به همین افراد محدود می‌شود؟ این موضوع، به ویژه در پرونده فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در کنگو مطرح بود. همان‌گونه که پیشتر ملاحظه شد، در این پرونده، دیوان با اقدامی از سوی وزیر دادگستری رواندا روبه‌رو بود. این دولت مدعی بود که در حقوق بین‌الملل، فقط اقدامات رهبران دولت‌ها و وزیران امور خارجه تعهدآور است و اقدامات مسئولان دیگر چنین ماهیتی ندارد^۳. اما دیوان در پاسخ گفت: «مقامات دیگری که در زمینه‌ای خاص، دولتی را نمایندگی می‌کنند، ممکن است از سوی آن دولت مجاز باشند تا در موضوعی که در حیطه صلاحیت‌شان قرار دارد، آن دولت را متعهد کنند... وزیر دادگستری می‌تواند در شرایطی، باعث تعهد دولتش شود^۴». بنابراین از منظر دیوان، مقاماتی که می‌توانند دولتی را از طریق اعمال یک‌جانبه ملزم نمایند، محدود به سران دولت‌ها و حکومت‌ها و وزیران امور خارجه نمی‌شوند. بلکه دیگر مسئولان دولتی نیز تحت شرایطی چنین صلاحیتی را خواهند داشت؛ با این تفاوت که حوزه اقدامات تعهدآور دسته اخیر برخلاف دسته نخست محدود به زمینه‌هایی است که در صلاحیت‌شان قرار دارد. بنابراین، پُر بی‌راه نیست که گفته شود مدیران بخش‌های خاص و فنی

1. Ibid., para. 50.

2. Ibid., paras. 51&52.

3. Ibid.

4. Ibid., para. 48.

(تجارت و بازرگانی) و حتی نمایندگان حقوقی دولت‌ها نزد مراجع قضایی نیز صلاحیت لازم برای متعهد کردن دولت خود را در حوزه‌های مربوط به خودشان دارند.^۱ در یکی از پرونده‌های رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی، این موضوع مطرح بود که آیا اظهارات نمایندگان حقوقی یک دولت در مراحل رسیدگی می‌تواند اعلامیه یک‌جانبه آن دولت تلقی شود؟ این موضوع به این دلیل مطرح شد که نماینده امریکا طی رسیدگی به پرونده مذکور اعلام کرد که مقامات کشورش قوانین داخلی مغایر با مقررات سازمان تجارت جهانی را به چالش خواهند کشید. اتحادیه اروپا نیز اعتقاد داشت، این اظهارات موجد تعهد برای دولت امریکاست.^۲ رکن حل اختلاف اعلام کرد که روابط به شدت پیچیده دولت‌ها در عصر حاضر، نمی‌پذیرد که اظهارات نماینده یک کشور را در رکن حل و فصل اختلافات به عنوان اعلامیه یک‌جانبه به حساب آوریم. «اما اظهارات نماینده امریکا، عمداً و به صورت کتبی بیان شده است... این اظهارات در حاشیه استدلال‌های هیئت [امریکا] نبود، بلکه به صورت مستقل مطرح شده بود. درحالی که مقامات این کشور فرصت داشتند تا این اظهارات را پس بگیرند، اما در جلسه دوم رسیدگی این اظهارات را بار دیگر تکرار کردند، پس می‌توان آنها را اعلامیه یک‌جانبه تلقی کرد».^۳

۳.۱.۳. مخاطب اعمال یک‌جانبه

آیا اعمال یک‌جانبه باید خطاب به دولت یا موجودیت(های) خاصی باشند یا می‌توانند خطاب به همه (عام الشمول)^۴ بوده یا حتی مخاطب خاصی نداشته باشند؟ رویه دولت‌ها نشان می‌دهد که این اعلامیه‌ها از این نظر می‌توانند آزادانه صادر شوند. اعلامیه یک‌جانبه مصر درباره کانال سوئز، خطاب به همه دولت‌ها صادر شده بود.^۵ سخنرانی پادشاه اردن در سال ۱۹۸۸ در راستای اعتراض این دولت از حاکمیت بر کرانه باختری رود اردن، «به نحو غیرمستقیم، خطاب به جامعه بین‌المللی بود».^۶ دیوان نیز انعطاف در رویه دولت‌ها را در این خصوص پذیرفته است.^۷ بند ششم

1. Skubiszewski, Op. Cit., p 230.

2. WT/DS, Sections 301-310 of the Trade Act 1974, para.7.118.

3. Ibid, paras.7.118,7.122.

4. Erga Omnes.

5. Huang, Thomas T. F, "Some International and Legal Aspects of the Suez Canal Question", AJIL, Vol 51, No 2, 1957, p 283.

6. UN Doc, A/CN.4/557, para.45.

7. ICJ, Nuclear Tests, para.50.

«اصول راهنما» نیز مقرر می‌کند: «اعلامیه‌های یک‌جانبه ممکن است خطاب به جامعه بین‌المللی در کل، یک یا چند دولت یا دیگر موجودیت‌ها باشد».

پرسش دیگری که در این قسمت باید پاسخ داده شود، این است که آیا رضایت مخاطب شرط اعتبار اعمال یک‌جانبه به شمار می‌آید؟ حقیقت آن است که تا مدت‌ها و تحت تأثیر الگوی توافقی (قراردادی) ایجاد تعهد، چنین پنداشته می‌شد که رضایت مخاطب شرط اعتبار اعمال یک‌جانبه است. قاضی جساپ^۱ در نظریه جداگانه‌اش در مرحله ابرادات مقدماتی پرونده‌های آفریقای جنوب غربی اعلام کرد که رضایت مخاطب، نیروی الزام‌آور اعمال یک‌جانبه محسوب می‌شود.^۲ اما با تضعیف این الگو، این فرض هم زیر سؤال رفت تا دیوان به صراحت در پرونده آزمایش‌های هسته‌ای اعلام کند که برای اعتبار اعمال یک‌جانبه به هیچ‌گونه رضایتی نیاز نیست.^۳ «اصول راهنما» نیز رضایت مخاطب را به عنوان شرط اعتبار اعمال یک‌جانبه برنشمرده است. از سوی دیگر، ضرورت وجود رضایت مخاطب عنصر «استقلال» اعلامیه یک‌جانبه را متزلزل می‌کند.^۴ بنابراین، اعمال یک‌جانبه‌ای که صرفاً حاوی تعهداتی برای صادرکننده آن هستند، نیاز به هیچ نوع قبولی ندارند، اما اگر این اعمال دیگر دولت‌ها را متأثر کند، بر مبنای اصل نسبی بودن تعهدات، قبولی دولت مورد نظر باید اعلام شود. شاید قضیه عجیب «عرضه واکسن»^۵ بتواند این وضعیت را بهتر تبیین کند. در دسامبر ۲۰۰۱ دولت اروگوئه تقاضای خود را برای خرید واکسن‌های ضدمننژیت از کوبا اعلام کرد و متعاقباً با پاسخ مثبت کوبا مواجه شد. دولت اروگوئه قصد داشت تا در مقابل خرید این واکسن‌ها، بدهی دولت کوبا را به این کشور به همان میزان کم کند. این واکسن‌ها در ۴ آوریل ۲۰۰۲ ارسال شدند و وزیر امور خارجه کوبا نیز اعلام کرد که این کشور در پی هیچ منفعت اقتصادی از ارسال این واکسن‌ها نبوده است و واکسن‌ها را باید هدیه کوبا دانست. در مقابل، اروگوئه ضمن رد هدیه بودن این واکسن‌ها، به بانک مرکزی این کشور دستور داد به میزان قیمت این واکسن‌ها از بدهی دولت کوبا کسر کند. در مقابل، در بانک مرکزی کوبا، بدهی این کشور به اروگوئه به همان میزان سابق باقی مانده

1. Jessup.

2. ICJ, South West Africa cases (Separate Opinion of Jessup), at 401-402 .

3. ICJ, Nuclear Tests, para.50.

4. Csatlós, Op . Cit., p 43.

5. Supply Vaccine.

است.^۱ تا آنجا که به کوبا مربوط می‌شود، اظهارات وزیر امور خارجه کوبا، اعلامیه یک‌جانبه از سوی این کشور است؛ اما تردیدی وجود ندارد که مخالفت اروگوئه با این مورد، دست کم دامنه حقوقی این اعلامیه را تا حد زیادی مضیق کرده است. بنابراین، بی‌نیازی به رضایت در اعتبار اعلامیه‌های یک‌جانبه را باید با انعطاف تفسیر کرد.

۳.۲. شرایط ماهوی

برای معتبر بودن اعمال یک‌جانبه، علاوه بر شرایط شکلی، باید حاوی شرایط ماهوی نیز باشند. این شرایط شامل «عدم مغایرت با قواعد آمره»، «عدم مغایرت با تعهدات بین‌المللی دولت صادرکننده» و «برخورداری از قصد الزام‌آوری» می‌شود.

۳.۲.۱. عدم مغایرت با قواعد آمره

یکی از وجوه مشترک میان معاهدات بین‌المللی و اعمال یک‌جانبه، تأثیر قاعده آمره بر آنهاست. به عبارت دیگر، معاهدات بین‌المللی و اعمال یک‌جانبه‌ای که مغایر با قواعد آمره هستند، «از ابتدا» اعتباری ندارند.^۲ بند ۸ از «اصول راهنما» همان رویکردی را در پیش گرفته است که پیشتر ماده ۵۳ کنوانسیون وین اتخاذ کرده بود. طبق این بند، «اعلامیه یک‌جانبه‌ای که در مغایرت با قاعده آمره حقوق بین‌الملل عمومی است، باطل است». گزارشگر ویژه نیز از گزارش دوم خود، به ضرورت عدم مغایرت اعمال یک‌جانبه با قواعد آمره به عنوان شرط اعتبار این عمل تصریح می‌کند.^۳

دیوان در پرونده فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو، هرچند غیرمستقیم، به این ویژگی اشاره دارد. پیش از این ملاحظه شد که دیوان در این پرونده با سخنرانی وزیر دادگستری رواندا درباره پس گرفتن حق شرط این کشور نسبت به ماده ۹ کنوانسیون منع و مجازات جرم ژنوسید روبه‌رو بود. دولت کنگو اعتقاد داشت، حتی اگر این سخنرانی برای پس گرفتن حق شرط کافی نباشد، خود این حق شرط (به عنوان عمل یک‌جانبه به معنای کلی) مغایر با قواعد آمره است.^۴

1. UN Doc, A/CN.4/557, paras.36-40.

2. Ab initio.

3. Hollis, Duncan B, *the Oxford Guide to Treaties*, Oxford, Oxford University Press, 2012, p 32.

4. UN Doc, A/CN.4/500 and Add.1, para.114.

5. ICJ, *Armed Activities*, para.56.

اما دیوان اعلام کرد که هیچ قاعده آمره‌ای مبنی بر الزام یک دولت برای پذیرش صلاحیت اجباری دیوان وجود ندارد و در نتیجه، این حق شرط نمی‌تواند بر این مبنا مغایر با قاعده آمره باشد.^۱ بنابراین، دیوان به نحو غیرمستقیم ممنوعیت اعمال یک‌جانبه مغایر با قواعد آمره را مورد پذیرش قرار داد. قابل ذکر است، همان‌گونه که طبق ماده ۶۴ کنوانسیون وین، برآمدن قاعده آمره جدید باعث فسخ معاهده می‌شود، این اثر نیز درباره اعمال یک‌جانبه مجراست.^۲

۳.۲.۲. عدم مغایرت با تعهدات بین‌المللی دولت صادرکننده

موضوع عدم مغایرت اعمال یک‌جانبه با تعهدات بین‌المللی دولت صادرکننده از گزارش دوم گزارشگر ویژه مورد توجه وی قرار می‌گیرد. سدینیو در این گزارش تصریح کرد: «برای آن که اعمال یک‌جانبه معتبر باشند، باید با...تعهدات معاهده‌ای دولت مذکور مطابق باشد»^۳. او ضرورت عدم مغایرت میان اعمال یک‌جانبه و قواعد حقوق بین‌الملل عمومی را مستظهر به دکتترین می‌داند.^۴ اما بررسی نگارندگان در میان آثار علمای برجسته حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که به جز «آنزیلوتی»^۵ و «اسکوبیشوفسکی»^۶، حقوق‌دان دیگری نظر مشابهی ارائه نداده است. به نظر آنزیلوتی، اعمال یک‌جانبه‌ای که توسط حقوق منع شده‌اند و اعمال یک‌جانبه غیراخلاقی، فاقد آثار حقوقی هستند.^۷ حقوق‌دان لهستانی، اسکوبیشوفسکی، نیز معتقد بود، درحالی که دو دولت می‌توانند از برخی قواعد خاص حقوق بین‌الملل (به غیر از قواعد آمره) صرف نظر نمایند، هیچ دولتی نمی‌تواند به تنهایی چنین کند.^۸ در رویه قضایی نیز رأی دیوان در پرونده «فلات قاره» (میان تونس و لیبی) قابل اشاره است. دیوان در این پرونده اعلام کرد: «اقدام به تعیین خطوط مرزی دریایی بین‌المللی از طریق عمل یک‌جانبه، بدون توجه به موقعیت حقوقی دیگر دولت‌ها، مغایر با اصول شناخته شده حقوق بین‌الملل است»^۹.

1. Ibid., para 69.

2. Goodman, Camille, "Acta Sunt Servanda? a Regime for the Unilateral Acts of States at International Law", Australian Yearbook of International Law, Vol 25, 2006, p 69.

3. UN Doc, A/CN.4/500 and Add.1, para. 116.

4. UN Doc, A/CN.4/525, para. 95.

5. Skubiszewski.

6. Degan, Op. Cit., p 260.

7. Skubiszewski, Op. Cit., p 230.

8. ICJ, Continental Shelf (Libyan Arab Jamahiriya/Malta), Judgment of 3 June 1985, para. 87.

با وجود تأکیدات مورد اشاره گزارشگر ویژه، وی این ویژگی را به عنوان شرط اعتبار اعمال یک‌جانبه در هیچ‌یک از پیش‌نویس‌های خود ذکر نکرد. شاید این موضوع به تفاوت‌های موجود میان قواعد آمره و دیگر قواعد حقوق بین‌الملل بازمی‌گشت. درحالی‌که عمل یک‌جانبه مغایر با قواعد آمره از اساس باطل است و در نتیجه، ذی‌نفع چنین عملی نمی‌تواند به مسئولیت دولت مربوطه استناد کند. اما در خصوص اعمال یک‌جانبه مغایر با دیگر قواعد عادی حقوق بین‌الملل، هم ذی‌نفع تعهد اولیه نقض شده و هم ذی‌نفع عمل یک‌جانبه می‌تواند به مسئولیت این دولت استناد کند.^۱ باوجود این، گفته شده است که باید میان قواعد حقوق بین‌الملل عام در این خصوص قائل به تفکیک شد. اعلامیه‌های یک‌جانبه نباید با قواعدی همچون «قواعد حقوق بشری» یا «قواعد مربوط به امنیت بین‌المللی» مغایرت داشته باشد؛ چراکه در صورت نقض این قواعد توسط اعمال یک‌جانبه، «هیچ جبرانی نمی‌تواند نواقص ایجاد شده را کاملاً ترمیم کند».^۲

حقیقت آن است که چنین تفکیکی راه را برای نقض قواعد ساده‌تر حقوق بین‌الملل و بالتبع تزلزل در حاکمیت قانون می‌گشاید. همچنین باید یادآور شد که نخستین وظیفه دولت مسئول طبق بند الف ماده ۳۰ پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بابت اعمال متخلفانه بین‌المللی (مصوب ۲۰۰۱ کمیسیون)، این است که «اگر عمل متخلفانه ادامه دارد، آن را متوقف کند...». این تکلیف به محض وقوع فعل متخلفانه و به صورت خودکار برعهده دولت متخلف قرار می‌گیرد.^۳ رویه دولت‌ها نیز از ضرورت عدم مغایرت اعمال یک‌جانبه با قواعد حقوق بین‌الملل عمومی حمایت می‌کند. از جمله دولت روسیه به این دلیل با اعلامیه‌های یک‌جانبه دولت‌های ترکمنستان و آذربایجان، مبنی بر تعیین حدود دریایی دریای خزر پس از فروپاشی اتحاد شوروی سابق اعتراض کرد که این اعمال مغایر با رژیم معاهده‌ای حاکم بر این دریا میان ایران و شوروی سابق است.^۴

۳.۲.۳. قصد ایجاد الزام

1. Eckart, Op. Cit., p 244.

2. Ibid., p 244-245.

۳. کرافورد، جیمز، **حقوق مسئولیت بین‌المللی**، ترجمه علیرضا ابراهیم‌گل و دیگران، تهران: انتشارات قلم سنگلج، ۱۳۹۶، ص ۵۸۵.

4. UN Doc, A/CN.4/557, para.88.

اریک سوئی^۱ اعتقاد راسخ داشت که تنها شرط الزام‌آوری اعمال یک‌جانبه، «خواست^۲ دولت مباشر است و به شرط دیگری نیاز نیست^۳. نویسنده دیگری نیز به صراحت می‌نویسد: «وجود قصد، شرط ایجاد تعهدات حقوقی در اعمال یک‌جانبه است^۴». اگرچه این دیدگاه بسیار افراطی به نظر می‌رسد و شرایط شکلی و ماهوی دیگر برای الزام‌آوری اعمال یک‌جانبه را نادیده می‌گیرد، حقیقت آن است که شاید این شرط مهم‌ترین مؤلفه برای الزام‌آوری اعمال یک‌جانبه به شمار آید^۵. گزارشگر ویژه نیز از همان گزارش اول، نقش ویژه‌ای برای قصد دولت در ایجاد آثار حقوقی برای اعلامیه‌های یک‌جانبه در نظر گرفته بود^۶. بند اول از «اصول راهنما» نیز «تجلی اراده به متعهد شدن» را زیربنای ایجاد آثار حقوقی برای اعلامیه‌های یک‌جانبه می‌داند. همچنین گفته شده است: «باید آشکار باشد که دولت صادرکننده با قصد ایجاد الزام عمل کرده یا حداقل اوضاع و احوال اجازه استنباط چنین قصدی را بدهد^۷». طبیعی است که تجلی اراده باید به روشی آشکار، قاطع و به ویژه آزادانه محقق شود^۸. به همین دلیل، صدور اعلامیه یک‌جانبه تحت تأثیر اشتباه، خدعه، رشوه یا اجبار فاقد آثار حقوقی هستند^۹.

حال باید مشخص کرد که چگونه می‌توان تشخیص داد یک دولت در انجام اعمال یک‌جانبه، قصد ایجاد تعهد را برای خود داشته است. حقیقت آن است که پیچیدگی و دشواری تمایز میان اعمال یک‌جانبه صرفاً حقوقی از یک سو و اعمال یک‌جانبه سیاسی از سوی دیگر، باعث شده است تا ارائه معیارهایی دقیق برای تمییز این اعمال از یکدیگر دشوار باشد. چه بسا به دلیل همین دشواری‌هاست که «اصول راهنما» از به دست دادن معیارهایی در این خصوص طفره رفته است. اما دیوان در پرونده فلات قاره دریای شمال به لزوم وجود «قصد واقعی» برای متعهد شدن دولت در خصوص اعمال یک‌جانبه اشاره می‌کند^{۱۰}. دیوان یافته خود را در پرونده مذکور، چند

1. Eric Suy.

2. Volonte.

3. Kennedy, David, "the Sources of International Law", American University International Law Review, Vol 2, No 1, 1987, p 50.

4. Gigante, Op. Cit., p 336.

5. Shaw, Malcolm N, **International Law**, New York, Cambridge University Press, 2008, p 122.

6. UN Doc, A/CN.4/486.para.44.

7. Gigante, Op. Cit., p 336.

8. Goodman, Op. Cit., p 55.

9. Skubiszewski, Op. Cit., p 230.

10. ICJ, North Sea...,para.28.

سال بعد در پرونده «آزمایش‌های هسته‌ای» بسط می‌دهد و عنوان می‌دارد: «همه اعمال یک‌جانبه متضمن تعهد نیستند، بلکه ممکن است که دولت‌ها در ارتباط با موضوعی خاص و با قصد متعهد شدن، موقعیتی را پذیرا شوند و این قصد باید با تفسیر آن عمل ارزیابی شود. هنگامی که دولتی اعلامیه‌ای صادر می‌کند که به وسیله آن آزادی عمل خود را محدود می‌کند، تفسیری مضیق توصیه می‌شود».^۱ دیوان در آرای بعدی خود، حتی پیش‌تر رفته و معیارهایی روشن‌تر برای قضاوت درباره احراز قصد الزام‌آور ارائه کرده است. در پرونده «اختلافات مرزی» اعلام شد که در ارزیابی عنصر قصد نزد دولت صادرکننده اعلامیه یک‌جانبه، باید به «اوضاع و احوال واقعی» که اعلامیه یک‌جانبه در طی آن صادر شده است، توجه کرد.^۲ در پرونده مربوط به فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو نیز از معیار دیگری به نام توجه به «محتوای اعلامیه» یا «محتوای اساسی» برای تشخیص ابعاد حقوقی اعلامیه یک‌جانبه یاد شده است.^۳ به همین دلیل، دیوان برای احتراز از دشواری‌های ناشی از بررسی حالت روانی دولت صادرکننده، خود را به معیارهای عینی که برای همگان از جمله موجودیت‌های مخاطب اعلامیه‌های یک‌جانبه قابل کشف می‌باشد، نزدیک کرده است.^۴ از سوی دیگر، می‌توان از معیارهای دیگری همچون هدف و ماهیت اعلامیه یک‌جانبه برای احراز عنصر قصد بهره برد.^۵ بر این اساس، اعلامیه‌هایی که موضوعات با دوام بیشتر را پوشش می‌دهند، حقوقی‌تر به نظر می‌رسند.

همچنین گفته شده است: «تکرار مفاد اعلامیه به صورت علنی» یک نشانه قابل اعتماد مبنی بر وجود قصد الزام‌آور دولت مربوطه است.^۶ یا اینکه اگر تردیدی در خصوص قصد الزام‌آور نزد دولت صادرکننده به هنگام صدور اعلامیه یک‌جانبه وجود دارد، رویه بعدی دولت مذکور می‌تواند این تردیدها را بزدايد.^۷ این موضوع مورد تأیید دیوان هم قرار گرفته است. در پرونده «رأی داوری صادره توسط پادشاه اسپانیا» (هندوراس علیه نیکاراگوئه) از دو معیار، یعنی محتوای

1. ICJ, Nuclear Tests, para.44.

2. ICJ, Frontier Dispute, para.40.

3. ICJ, Armed Activity..., para.49.

4. Eckart, Op. Cit., p 215.

5. Skubiszewski, Op. Cit., p 232.

6. Reisman, Michael W; Arsanjani, Majnoush H, "the Question of Unilateral Governmental Statements as Applicable Law in Investment Dispute", ICSID Review, Vol 19, No 2, 2004, p 418.

7. Skubiszewski, Op. Cit., p 232.

اعلامیه و سپس رویه بعدی دولت نیکاراگوئه، استفاده شد تا مشخص شود که اعلامیه صادره توسط رئیس‌جمهور این کشور، به قصد ایجاد آثار الزام‌آور حقوقی صادر شده است.^۱ این پرونده به اختلاف دو کشور بر سر تعیین حدود مرزی موسوم به «گیمز- بونیا»^۲ مربوط می‌شد. این دولت‌ها قراردادی را امضا کردند و کار تعیین خطوط مرزی را به کمیسیون مشترک سپردند و مقرر شد در مواردی که کمیسیون در تعیین حدود مرزی ناموفق است، موضوع به قضاوت پادشاه اسپانیا واگذار شود.^۳ در پی عدم توفیق کمیسیون در تعیین بخشی از مرز، موضوع به پادشاه اسپانیا واگذار شد و پس از تعیین مرز توسط وی، رئیس‌جمهور نیکاراگوئه در تلگرافی به همتای هندوراسی خود، حل و فصل موضوع را تبریک گفت.^۴ اما چند سال بعد، نیکاراگوئه به حکم پادشاه اسپانیا معترض شد و نهایتاً پرونده در دیوان طرح گردید. دیوان باید در این خصوص تصمیم‌گیری می‌کرد که آیا تلگراف مربوطه می‌توانست اعلامیه یک‌جانبه الزام‌آور باشد؟ دیوان برای احراز قصد الزام‌آور از سوی دولت نیکاراگوئه مبنی بر پذیرش رأی داور، نه فقط به خود تلگراف (معیار محتوای اعلامیه) توجه کرد، بلکه عمل بعدی دولت این کشور، یعنی پیام دولت به مجلس مبنی بر پذیرش رأی داور، را نیز مؤید این قصد دانست.^۵

نکته مهمی که نباید فراموش کرد، این است که اعمالی که از اساس الزام‌آور نیستند و در واقع اعمال یک‌جانبه حقوقی به شمار نمی‌آیند، نمی‌توانند در آینده به کمک رویه یا تکرار، تغییر ماهیت دهند.^۶ به عبارت دیگر، رویه و تکرار جنبه تأسیسی ندارند، بلکه ویژگی کشفی دارند و از قصد الزام‌آور خبر می‌دهند، بی‌آنکه بتوانند آن را انشا کنند. توسل دیوان به رویه بعدی دولت نیکاراگوئه در پرونده «رأی داور» صادره توسط پادشاه اسپانیا^۷ نیز به آن معنا نبود که از منظر دیوان، اعتبار و قصد الزام‌آوری اعلامیه یک‌جانبه دولت نیکاراگوئه مشروط به تأیید یا رویه بعدی این کشور بود، «بلکه در آن مورد خاص، رویه بعدی کاشف از چنین قصدی بود».

1. Reisman&Arsanjani, Op. Cit, p 411.

2. Games – Bonilla.

3. ICJ, Arbitral Award Made by the King of Spain on 23 December 1906 (Honduras v. Nicaragua), Judgment of 18 November 1960, pp. 11-13.

4. Ibid., p 22.

5. Ibid., p 25.

6. Rubin, Op. Cit., p 10.

7. Reisman&Arsanjani, Op. Cit.

نتیجه‌گیری

ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری که سنتاً منابع حقوق بین‌الملل را معرفی کرده، متذکر «اعمال یک‌جانبه دولت‌ها» نشده و در نتیجه، الزام‌آوری و آثار آن مورد مباحث مختلف قرار داشته است. حقیقت آن است که نبود اعلامیه یک‌جانبه در این ماده، در سنت نظام‌های حقوقی مختلف ریشه دارد. نه نظام‌های حقوقی مختلف و نه دکترین تا مدت‌ها نمی‌پذیرفت که یک تعهد با روشی یک‌جانبه پدید آید. به تدریج، الگوی حاکم بر ایجاد حق و تکلیف در حقوق داخلی و بین‌الملل تغییر کرد. همچنین، با پدیداری الگوی وستفالی مبتنی بر دولت-ملت‌های متعدد در دنیا، روابط بین‌الملل مشحون از اعمال یک‌جانبه بسیاری شد که به رفتار دولت‌ها نظم و نسق می‌داد. دست بر قضا، همین موارد سبب گشت تا کمیسیون حقوق بین‌الملل موضوع اعمال یک‌جانبه، آثار الزام‌آور و شرایط اعتبار آنها را از سال ۱۹۹۶ در دستور کار قرار دهد. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در برخی موقعیت‌ها این توفیق را داشت تا موضوع اعلامیه‌ها و اعمال یک‌جانبه دولت‌ها را بررسی کند و درباره آنها حکم دهد.

مجموع این موارد و به ویژه رویه به جا مانده از دولت‌ها، نشان می‌دهد که اعمال یک‌جانبه دولت‌ها واجد ویژگی الزام‌آوری است. با وجود این، از آنجا که ارگان‌سیسم جامعه بین‌المللی و نحوه زیست دولت‌ها به گونه‌ای است که دولت‌ها را وادار می‌کند تا اعمال یک‌جانبه مختلفی را روزانه انجام دهند، در نتیجه باید در احراز آثار حقوقی الزام‌آور ناشی از این اعمال با احتیاط رفتار کرد؛ چراکه در غیر این صورت، نه فقط ورای قصد دولت صادرکننده رفته‌ایم، بلکه شبکه‌ای پیچیده و تودرتویی از تعهدات حقوقی پدید می‌آید که ایفای آنها از عهده هر دولتی خارج است. این وضعیت می‌تواند به راحتی حاکمیت قانون در حقوق و روابط بین‌الملل را سست کند و همکاری و اعتماد بین‌المللی را خدشه‌دار سازد. بنابراین، رویه دولت‌ها، رویه قضایی و دکترین مجموعه شرایطی را مشخص کرده‌اند که مطابق با آن، می‌توان اعمال یک‌جانبه حقوقی را از غیر آنها تمییز داد. در این نوشتار مشخص شد که اعمال یک‌جانبه باید واجد ویژگی‌های شکلی (نحوه انجام، مخاطب اعمال یک‌جانبه و صلاحیت‌دار بودن مقام انجام‌دهنده عمل یک‌جانبه) از یک سو و ویژگی‌های ماهوی (عدم مغایرت با قواعد آمره، عدم مغایرت با تعهدات دولت صادرکننده و قصد ایجاد الزام) از سوی دیگر باشد. در این میان، «قصد ایجاد الزام» مهم‌ترین عنصر اعتبار

اعمال یک‌جانبه به شمار می‌آید. دیوان و دکترین، مشترکاً، تجلی اراده و قصد را مهم‌ترین ویژگی الزام‌آوری اعمال یک‌جانبه محسوب می‌کنند. معیارهای مختلفی برای احراز عنصر قصد ارائه شده است. اگرچه در احراز عنصر قصد باید به روشی دقیق و مضیق عمل کرد، گرایش معیارها به این سمت است که عموماً برای تشخیص آشکارتر به عناصر عینی توجه می‌کنند تا عناصر ذهنی. برتری عناصر عینی در این زمینه در این حقیقت نهفته است که احراز قصد را برای موجودیتهای مخاطب اعمال یک‌جانبه آسان‌تر می‌کند و در مجموع به تحکیم قانون در مناسبات بین‌المللی مدد می‌رساند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. کک دین، نگوین؛ پاتریک، دینه؛ پله، آلن، *حقوق بین‌الملل عمومی*، ترجمه حسن حبیبی، جلد ۱، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۲.
۲. کرافورد، جیمز، *حقوق مسئولیت بین‌المللی*، ترجمه علیرضا ابراهیم‌گل؛ سیامک کریمی؛ حسن خسروشاهی؛ پریسا روشنفکر، تهران: انتشارات قلم سنگلج، ۱۳۹۶.

ب) منابع انگلیسی

Books

3. d'Aspremont, Jean, *Formalism and the Sources of International Law: A Theory of the Ascertainment of Legal Rules*, New York, Oxford University Press, 2011.
4. Degan, Vladimir Duro, *Sources of International Law*, Hague, Kluwer Law International, 1997.
5. Eckart, Christian, *Promises of States under International Law*, Portland, Hart Publishing, 2012.
6. Hollis, Duncan B, *The Oxford Guide to Treaties*, Oxford, Oxford University Press, 2012.
7. Kassoti, Eva, *The Juridical Nature of Unilateral Acts of States in International Law*, Boston, Brill nijhoff, 2015.
8. Saganek, Przemysla, *Unilateral Act of States in Public International Law*, Boston, Brill nijhoff, 2015.

Articles

9. Csatlós, Erzsébet, "The Legal Regime of Unilateral Act of States", *Miskolc Journal of International Law*, Vol 7, No 1, 2010.
10. Enabulele, Amos O, "The Aura of Unilateral Statements in International Law: Nuclear Tests Cases Revisited", *Hande Law Review*, Vol 6, No 1, 2010.
11. Fiedler, Wilfried, "Unilateral Acts in International Law", in: Bernhardt, Rudolf, *Encyclopedia of Public International Law*, Vol 7, New York, Elsevier Science Publishers, 1984.
12. Fitzmaurice, Sir Gerald, "The Law and Procedure of the International Court of Justice 1951-54: Treaty Interpretation and Other Treaty Points", *British Year Book of International Law*, Vol 33, 1957.
13. Garner, James W, "The International Binding Force of Unilateral Oral Declarations", *AJIL*, Vol 27, No 3, 1933.
14. Gigante, A, "The Effect of Unilateral State Acts in International Law." *New York University Journal of International Law and Politics* Vol 2, 1969.

15. Goodman, Camille, “*Acta Sunt Servanda? A Regime for the Unilateral Acts of States at International Law*”, Australian Yearbook of International Law, Vol 25, 2006.
16. Huang, Thomas T. F “*Some International and Legal Aspects of the Suez Canal Question*”, AJIL, Vol 51, No 2, 1957.
17. Kennedy, David, “*The Sources of International Law*”, American University International Law Review, Vol 2, No 1, 1987.
18. Reisman, Michael W; Arsanjani, Majnoush H, “*The Question of Unilateral Governmental Statements as Applicable Law in Investment Dispute*”, ICSID Review, Vol 19, No 2, 2004.
19. Riley, Patrick, “*The Legal Philosophy of Hugo Grotius*”, in: Enrico, Florence, A Treatise of Legal Philosophy and General Jurisprudence, Vol.9, New York, Springer Publication, 2009.
20. Rubin, Alfred P, “*The International Legal Effects of Unilateral Declarations*”, AJIL, Vol 71, No 1, 1977.
21. Shaw, Malcolm N, International Law, New York, Cambridge University Press, 2008.
22. Skubiszewski, Krzystof, “*Unilateral Acts of States*’, in: Bedjaoui, Mohammad (Ed), *International Law: Achievements and Prospects*, London, Martinus Nijhoff, 1991.
23. Sohn, Louis B, “*Sources of International Law*”, Georgia Journal of International and Comparative Law, Vol 25, No 1, 1996.

